

پدر و مادر دو گوهر گرانبها

عبدالقادر دهقان (سراوانی)

نموده است، بنابراین بر فرزند لازم است که این زحمات را پاس بدارد؛ نخست سپاس گزار خداوند باشد که به او پدر و مادری مهربان و غمخوار عنایت کرده است و سپس سپاس گزار پدر و مادر باشد، زیرا یکی از صفات ارزنده که موجب تداوم و بقای نعمت می شود، سپاس گزاری است. خداوند می فرماید:

”لئن شکرتم لأزيدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید“ [ابراهیم: ۷]؛ اگر در برابر نعمت هایی که به شما داده ام سپاس گزاری کنید به شما نعمت بیشتر خواهم داد و اگر ناسپاسی کنید، بدانید که عذاب من سخت است.“

در آیه ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء می فرماید: ”ای انسان! پروردگار تو فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود نیکی کنید. اگر یکی از پدر و مادر یا هر دو، در زمان حیاتت به سن پیری برسند حتی به آنان ”آف“ مگو و بر سر آنان فریاد مزن و با آنها از روی ادب و احترام سخن بگو و در برابر پدر و مادر از روی شفقت و مهربانی بال تواضع و فروتنی فرود آور و برای شان دعا کن و بگو: پروردگار! به ایشان رحم کن همان گونه که آنها مرا در کودکی (مورد ترحم و شفقت خود قرار داده و) پرورش دادند.“

در آیه بالا خداوند پس از دستور به پرستش خویش بلافاصله به احسان و خوش رفتاری با پدر و مادر فرمان داده است و سپس رهنمودهای گرانبهائی را در زمینه رعایت ادب و روش برخورد با والدین فراروی فرزندان گذاشته است که عبارتند از:

۱. هرگز کلمه زنده و توهین آمیز یا کلمه ای که باعث دل شکنی و آزردهائی آنان می شود، به کار نبرد، گرچه آنان فرزند را مورد تنبیه قرار داده و کتک بزنند، زیرا کتک زدن پدر و مادر به سبب دشمنی با فرزند نیست بلکه آنان خیر و صلاح و بهروزی فرزند را می خواهند و بدین وسیله او را از ضررها و آفت ها باز می دارند:

آن ترش رویی مادر یا پدر/حافظ فرزند باشد از ضرر/بس عداوت ها که آن یاری بود/بس خرابی ها که معماری بود/بر نمود چوبی که آن را مرد زد/بر نمود آن را نزد بر گرد زد.

منظور از کلمه ”آف“ هر کلمه آزاردهنده و ناشایست است. حضرت حسن رضی الله عنه می گوید: اگر پایین تر از کلمه ”آف“ واژه ای دیگر وجود داشت، حتماً خداوند آن را نیز حرام قرار می داد

پدر و مادر در آیین مقدس اسلام، دو گوهر گرانبها و کلید سعادت و رمز خوشبختی فرزندان به شمار می روند. در متون اسلامی، نسبت به ارزش و جایگاه والای پدر و مادر، فراوان سخن گفته شده است و پیشوایان اسلام و خود آفریدگار بشر، نسبت به این موضوع بسیار تأکید و سفارش نموده و فرزندان را مکلف نموده اند که موجبات خشنودی آنها را فراهم نمایند و با آنان به نکویی رفتار کنند.

نیکی به پدر و مادر که قرآن کریم از آن به واژه ”بر“ تعبیر نموده است، ابعاد گوناگونی دارد. این واژه در زبان عرب به معنای مختلفی آمده است از جمله:

۱. پاسداشت پیوند خانوادگی،
۲. خیر و صلاح و هر عمل رضایت بخش،
۳. هر نوع عمل نیکو که انسان را به خدا نزدیک کند،
۴. احسان و خوش رفتاری،
۵. راستگویی،
۶. طاعت و عبادت.

نتیجه آنکه ”بر“ و نکویی با همه معانی و انواعش در یک جمله به معنای خوبی و خوش اخلاقی و پرهیز از بد اخلاقی و آزارسانی است.

رهنمودها و توصیه های خدا و رسول در حق والدین

خداوند می فرماید: ”وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ بوالديه حملته أمه وهنأ علی وهن و فصاله فی عامین أن اشکر لی و لوالدیک الی المصیر“؛ انسان را در باره (نیکی به) پدر و مادرش سفارش کرده ایم (بویژه) مادرش که او را در شکم خود حمل کرده و هر لحظه به ضعف و سستی تازه ای دچار شده است (تا) پایان مدت شیرخوارگی (که) دو سال است (نیز) زحمات فراوانی متحمل شده است. لذا به انسان فرمان دادیم (که) سپاس گزار من و پدر و مادرت باش، بازگشت همه به سوی من است.“

در این آیه خداوند ضمن دستور به گرامیداشت و نیکی به والدین، سپاس گزاری از خویش و سپاس گزاری از پدر و مادر را در یک ردیف آورده است و خاطر نشان کرده است که مادر در مدت سی و سه ماه دوران حمل و شیردهی، طاقت فرساترین رنج ها را تحمل

و از آن باز می داشت.^(۱)

احترام پدر و مادر و فرمان برداری از آنها همیشه بر فرزند واجب است چه آنها جوان باشند یا پیر، اما در اینجا به این دلیل مراعات ادب در سالخوردگی تخصیص یافته است که عموماً هنگامی که انسان به سن پیری می رسد، ضعیف می شود و به بیماریهای گوناگون مبتلا می شود و نیاز به پرستاری و شستن لباس های چرکین و نظافت بدن او احساس می شود و انجام این کارها طبعاً بر انسان سخت و ناگوار است، بنابراین، تاکید فرمود که اگر با چنین حالی نیز مواجه شدید نباید کلمه ای همانند کلمه "أف" بر زبان بیاورید.

مجاهد رحمه الله می گوید: مفهوم آیه این است که اگر پدر و مادر به حدی عاجز و زمین گیر شوند که نتوانند از پس نظافت و پاکی خود بر آیند، شما هنگام پاک کردن نجاست و شستن لباسهایشان ناراحت نشوید و حتی کلمه "أف" هم نگوئید، همان گونه که وقتی شما کودک و ناتوان بودید آنها شما را تمیز و پاک می کردند.^(۲)

۲. دومین رهنمود این است که می فرماید: با پدر و مادر به تندی و خشونت سخن مگو و بر سر آنان داد و فریاد زن.

۳. با پدر و مادر مؤذنبانه و بانرمی و رعایت احترام سخن بگو، حتی اگر تو را دشنام دهند و بد و بیراه بگویند، بگو خداوند شما را بیامرزد.

زهیر بن محمد در توضیح "گفتار محترمانه" می گوید: اگر پدر و مادر تو را صدا کردند بگو بنده حاضرم و آماده اجزای فرمان شما هستم [فقل لیبکما و سعیدیکما].

کسی باشد پسندیده مرا مش / که دارد احترام باب و مامش / مرنجان ای پسر از خود پدر را / ممکن بی احترامی بر مقامش / ممکن از خود سری با او خشونت / ممکن از حرف تلخی تلخ کامش / اگر خواهی سعادت در دو عالم / تقدم کن همیشه بر سلامش / نمی گوید بجز خیر تو حرفی / تو هم از جان و دل بشنو کلامش / اگر افتاده از پادست او گیر / بترس از روزگار و انتقامش / ممکن بر روی او تندی که بر تو / خدا فرموده واجب احترامش.

۴. بال مهربانی و فروتنی رادر برابر آنان فرود آر. عطابن ابی رباح در تفسیر این جمله می گوید: هنگام سخن گفتن با پدر و مادر، دست را بالا و پایین تکان مده.

۵. همواره در حق آنان دعا کن به ویژه این دعا را بخوان: "ربّ ارحمهما کما ربیانی صغیراً"؛ پروردگار پدر و مادرم را مورد رحمت خویش قرار ده همان گونه که آنان مرا در کودکی (مورد شفقت خویش قرار داده) پرورش کردند.

آری فرزند باید به پاس زحمات بی دریغی که پدر و مادر در راه تربیت او متحمل شده اند همواره برای آنان طلب آمرزش کند و به پیشگاه الهی در حق شان دعا کند.

البته دعای مغفرت برای پدر و مادر مسلمان اختصاص دارد، اگر والدین کافر و زنده باشند برای شان دعای هدایت کند تا خداوند آنها را به دین اسلام مشرف نماید.

در تفسیر ابن کثیر آمده است: مردی مادرش را بر پشت خود حمل کرده و دور کعبه طواف می داد، وقتی به محضر پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم رسید از ایشان پرسید: آیا من با این خدمت توانسته ام حق مادرم را ادا کنم؟ حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود: حق یک نفس (لحظه) هم ادا نشده است.^(۳)

نبی محترم روزی به منبر / سخن می گفت از حق مادر / جوانی ناگه از جا جست بر پا / که تکلیف مرا ای شه بفرما / که دارم مادری پیر و کهن سال / شب و روزم بود جویای احوال / پیاده بردمش تا کعبه بر دوش / نکردم حرمت او را فراموش / کنون گویی که دارد حقی از من / بیان کن یا رسول الله ذوالمن / بفرمود ارده و نه بار دیگر / بری او را که گردد بیست و بیشتر / نباشد مزدی خوابی یک شب / که پستانت نهاد از مهر بر لب.

آری! مشکلات دروان بارداری، زایمان، شیردهی و تربیت، کارهای ساده ای نیستند که بتوان با یک خدمت کوچک سپاس آنها را به جای آورد. وقتی بچه مریم می شود، خواب از چشمان پدر و مادر می پرد. بچه ناز لباس و بدن پدر و مادر را کثیف می کند، اما آنها احم به ابرو نمی آورند. آقا زاده عزیز دچار اسهال شده است، رختخوابش کثیف و لباس پدر و مادر آلوده شده است، اما آنان با نهایت شکنجایی نجاست او را پاک می کنند. آیا سپاس گزاری از این زحمات طاقت فرسا به همین سادگی ممکن است.

در حدیثی آمده است که شخصی پرسید: یا رسول الله صلی الله علیه و سلم پدر و مادر چه حقی بر فرزند دارند؟ فرمود: آنها بهشت یا دوزخ تو هستند (یعنی هم می توانی به وسیله خدمت به آنها به بهشت راه یابی و هم می توانی به سبب آزار و اذیت آنها، راه دوزخ را در پیش گیری).^(۴)

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: "خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر، و خشم او در خشم پدر و مادر است."^(۵)

نگاه شفقت به پدر و مادر

حضرت ابن عباس رضی الله عنه نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "هر گاه فرزند نیکوکار از روی شفقت و مهربانی به سوی پدر و مادرش بنگرد، خداوند به هر نگاه یک حج مقبول، برایش می نویسد. پرسیدند: اگر روزی صد بار به آنها بنگرد باز هم همین پاداش دارد؟ فرمود: آری! خداوند بزرگتر از آن است که به وعده اش وفا نکند و پاک تر از آن است که از حق کسی کم کند."^(۶)

برتر از جهاد

حضرت ابن مسعود رضی الله عنه می گوید از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم که برترین اعمال و پسندیده ترین شان نزد خداوند کدام است؟ فرمود: نماز سر و قتش. عرض کردم: بعد از آن؟ فرمود: نیکی به پدر و مادر. پرسیدم سپس کدام عمل؟ فرمود: جهاد در راه خدا.^(۷)

همچنین روایت شده است که مردی نزد رسول الله رفت و اجازه خواست که در جهاد شرکت کند، آن حضرت پرسید: آیا پدر و مادرت زنده هستند؟ گفت: آری! فرمود: پس برگرد و به آنها به نکویی رفتار کن.^(۸)

از دو حدیث یاد شده بر می آید که در حالت عادی که جهاد فرض عین نباشد، خدمت پدر و مادر از جهاد نیز برتر است.

نکویی با پدر و مادر غیر مسلمان

نیکی و خوش رفتاری با پدر و مادر، بستگی به مسلمان و مؤمن بودن آنها ندارد. حتی اگر کافر و مشرک باشند باز هم بر گردن فرزند حق دارند و احترام آنها بر فرزند واجب است. البته اگر او را به کار معصیت و گناه فرمان دادند از آنها فرمان نبرد چنان که خداوند می فرماید:

”و ان جاهدک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنيا معروفاً [القمان: ۱۵]؛ اگر پدر و مادر تو را وادار کنند که به من شرک آوری آنچه را که درباره آن آگاهی نداری، پس از آنها فرمان میر ولی باز هم با ایشان در دنیا به خوبی و به طرز شایسته ای رفتار کن.“

ارزش پدر در اسلام

حضرت ابو درداء رضی الله عنه می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: پدر از بهترین دروازه های بهشت است؛ اختیار با توست که از این دروازه (به وسیله خدمت) حفاظت کنی و یا آن را (با نافرمانی) نابود کنی.^(۹)

پسر جان تا توانی قدر دان باش/گرامی مادر و والا پدر را/ولایت با پدر باشد در اسلام/بدو جا داده این جاه خطر را^(۱۰)/بهشت در زیر پای مادران است/که باشد این سخن پیغامبران را/ولی شرطش رضای باب باشد/که مفتاح است خلد بسته در را/پدر از صبح تا شب می کند کار/نخوابد مادر از شب تا سحر را.

مادر مؤمنان حضرت عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که شخصی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و پیرمردی همراهش بود. آن حضرت پرسید: این مرد کیست؟ گفت: پدرم است. فرمود: احترامش را بجا آور، هرگز پیشاپیش او راه مرو، قبل از او نشین، او را به اسم مخوان و هرگز کسی را به خاطر او دشنام و

ناسزا نگو.^(۱۱)

در این حدیث چند نکته مهم و رهنمود طلایی بیان شده است از جمله اینکه: پدر و مادر را نباید به نام خواند، بلکه به لقب و کنیه یا با کلمه پدر و بابا و مادر آنها را خواند. سوی پدر نظاره به صدق و صفا نما/با صد ادب به کنیه پدر را صدا نما.

نکته دوم اینکه فرمود: نباید به خاطر دفاع از پدر خود به پدر شخص دیگری دشنام و ناسزا گفت. زیرا او در مقابل، به پدر تو دشنام می گوید و این بدان معناست که تو خودت به پدرت دشنام و ناسزا گفته ای.

در حدیثی دیگر آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: یکی از گناهان بزرگ این است انسان به پدر و مادر خود دشنام دهد. پرسیدند: آیا چنین نابخردی هست که به والدین خود دشنام گوید؟ فرمود: آری! به پدر و مادر دیگران دشنام می گوید آنان نیز در عوض به پدر و مادر او دشنام و ناسزا می گویند.

هر بد که به خود نمی پسندی/با کس ممکن ای برادر من/اگر مادر خویش دوست داری/دشنام مده مادر من.

حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه فرموده است: نگاه کردن به پدر عبادت است، نگاه کردن به کعبه و قرآن عبادت است.^(۱۲)

جهان کودکی را کندار جمند/ز پستی رساند به جای بلند/که نیک احترام پدر داشته/پدر را ز جان دوست تر داشته.

ارزش مادر

حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که مردی از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید که از میان بستگان چه کسی بیشتر سزاوار نیکی و خوش رفتاری است؟ آن حضرت فرمود: مادرت! گفت: سپس چه کسی؟ باز فرمود: مادرت! آن مرد برای بار سوم سؤالش را تکرار کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم باز هم فرمود: مادرت! مرتبه چهارم پرسید: بعد از او چه کسی؟ فرمود: پدرت و سپس به ترتیب خویشاوندی، هر کس که نزدیک تر است سزاوارتر است.^(۱۳)

این حدیث، مادر را بیش از هر کس دیگری به نیکی سزاوارتر و مستحق تر دانسته است و به نقش مادر در جامعه اشاره کرده است. برخی از علما گفته اند که بر اساس این حدیث، حق مادر، در نکویی و خوش رفتاری سه برابر حق پدر است، زیرا از حمایتی که متحمل شده است طاقت فرساتر است. برخی فلسفه این برتری را در رنج های سه گانه مادر (بارداری، زایمان و شیردهی) دانسته اند:

این حدیث از مصطفی اندر مقام مادر است/ای پسر جنت در زیر گام مادر است/گر چه در عالم پدر دارد مقامی/لیکن افزون از پدر قدر و مقام مادر است/گر که می خواهی سعادت از کلامش

سر میبچ/ارستگاری در اطاعت از کلام مادر است.

شاعری دیگر می گوید:

ای مادر عزیز! جان و دل فدای تو/کو آن زبان که وصف نماید
ثنای تو/نه ماه رنج بردی از بار حمل من/خواب و خوراک گشت
حرام از برای من/روز تولدم به تو نزدیک گشت مرگ/افتاد در خطر
ز بقایم بقای تو/چون از عدم به عالم هستی قدم زدم/باشد وجود من
ز تو و از خدای تو/دادی مرا از شیرۀ جان پرورش مدام/من شاکرم
ز نعمت صبح و مسای تو/من هیچ بوده ام همه هستی من زتوست/
من کی توان نمود سزای جزای تو.

سعدی می گوید:

جوانی سر از رأی مادر بتافت/دل دردمندش به آذر بتافت/چو
بیچاره شد به پیشش آورد عهد/که ای سست مهر فراموش عهد/نه
در مهد نیروی حالت نبود/مگس راندن از خود مجالت نبود/تو آئی
که از یک مگس رنجه ای/که امروز سالار و پر پرنجه ای.
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: نسبت به زنان مردم
پاک دامن باشید، زنان شما نیز پاک دامن خواهند ماند. با پدران خود
نکویی کنید تا فرزندان شما با شما به نکویی رفتار کنند.^(۱۸)

دعای خیر و نفرین والدین

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: "سه دعا بدون شک
مستجاب خواهد شد: دعای پدر، دعای مسافر و دعای مظلوم."^(۱۹)
همان گونه که دعای خیر والدین مستجاب است و نیکی با آنها
سبب بر خورداری از دعای خیرشان خواهد شد، دعای بد و نفرین
آنها نیز مستجاب است و باعث خسارت دنیا و آخرت خواهد بود.
یکی از بزرگان بصره گفته است که به قصد زیارت خانه خدا از شهر
خارج شدم. جوانی از جلوی من عبور کرد، دیری نگذشت که
صدای ناله او را شنیدم. دیدم زمین زیر پای او باز شده و دارد در
زمین فرو می رود. فقط عصا و کالاهایی که به همراه داشت روی
زمین باقی ماند. از دیدن این صحنه تعجب کردم. ناگاه پیرمردی را
دیدم که با عجله به سوی من می آید. چون نزدیک شد از من پرسید:
جوانی را که در دستش عصا بود ندیدی؟ گفتم چرا، این عصای
اوست که روی خاک مانده است. تا این سخن را شنید فریاد زد و
گفت: پسر من به زمین فرو رفت؟ گفتم مگر می دانی که او در زمین
فرو رفته است؟ گفت: آری! از او آزرده دل بودم که بدون اجازه من
هر چه می خواست انجام می داد. امروز وقتی از شهر بیرون می رفت
مانع شدم اما او به حرفم گوش نکرد. ناراحت شدم و او را نفرین
کردم و گفتم اگر از شهر بیرون روی خدا تو را در زمین فرو برد. خدا
هم نفرین مرا مستجاب کرد!

هر آن کس که پند پدر نشنود/به ناچار روزی پشیمان شود/پدر
خیر خواه تو است ای پسر/نصیحت به جان کن قبول از پدر/پدر
نیست بدخواه فرزند خویش/که دارد به دل مهر از اندازه بیش.

عبدالله بن ابی اوفی می گوید: در محضر پیامبر نشستیم بودیم که
شخصی آمد و به آن حضرت گفت: جوانی در حال احتضار است به
او گفتند کلمة "لا اله الا الله" بخوان، هر چه تلاش کرد نتوانست.
پیامبر رحمت پرسید: آیا او نماز می خواند؟ گفتند: آری! پیامبر
برخاست و ما نیز همراه ایشان رفتیم. وقتی بر بالین او حاضر شدیم
از او خواست که "لا اله الا الله" را بر زبان آورد، اما وی در جواب
گفت: نمی توانم! فرمود: چرا؟ گفت از پدر و مادرم فرمان نبرده ام.
پیامبر فرمود: آیا مادرش زنده است؟ گفتند: آری! فرمود: او را

نیکی به پدر و مادر پس از وفات آنها

نیکی به والدین منحصر به زمان زندگانی آنها نیست و پس از وفات
آنها نیز ادامه دارد. ابوسعید ساعدی رحمه الله روایت کرده است
که مردی در محضر رسول الله صلی الله علیه وسلم حاضر شد و
عرض کرد: ای رسول خدا آیا بعد از وفات پدر و مادرم راهی برای
نکویی با آنها وجود دارد؟ آن حضرت فرمود: آری! دعا و طلب
آمرزش کردن برای آنها، اجرای عهد و پیمان آنها، پاسداشت پیوند
خویشاوندی و گرامیداشت دوستان آنان.^(۲۰)

نافرمانی و آزار پدر و مادر از بزرگترین گناهان است

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است که رسول الله
صلی الله علیه وسلم فرمودند: "گناهان بزرگ عبارتند از: شرک
ورزیدن به خدا، نافرمانی و آزار دادن پدر و مادر، قتل ناحق و سوگند
دروغین."^(۲۱)

در این حدیث، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آزرده شدن والدین را
از بزرگترین گناهان پس از شرک به خدا قرار داده است. در حدیثی
دیگر آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم سه بار فرمودند:
"بینی اش به خاک مالیده شود و خوار و ذلیل گردد." پرسیدند چه
کسی یا رسول الله؟ فرمود: "کسی که یکی از پدر و مادرش را در
حال پیری دریابد و باز هم (به وسیله خدمت و خشنودی آنها) به
بهشت نرود."^(۲۲)

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: "خداوند کیفر هر
گناهی را که بخواهد تا روز قیامت به تأخیر می اندازد جز نافرمانی
پدر و مادر که کیفر آن را در دنیا، پیش از مرگ نافرمانی کننده، تعجیل
می کند."^(۲۳)

می گویند شخصی فرزند شوربختی را دید که گلوی پدرش را
می فشارد؛ پدر را از دست او خلاص کرد و فرزند را نکوهش کرد.
پدر گفت: او را ملامت مکن که او واقعاً فرزند من است، من هم در
همین مکان گلوی پدرم را فشردم و او را کتک زدم، اکنون فرزندم
نیز با من این گونه رفتار می کند.

اندر گلیم/شد فراز کوه و بگشود آن گلیم/داستانی دید و حیران شد
کلیم/دید زالی را سراپا غرقه خون/موی همچون شیرش از خون
لاله گون/دست و پا بشکسته و دلخسته/از همه بگسسته با حق
بسته/در مناجات با پروردگار/هر زمان گوید به چشمی اشکبار/که
ای خطابخش ای کریم دادگر/از خطای بیچۀ من در گذر/بیچۀ من در
خور غفران بود/چون جوان می باشد و نادان بود/عمر خود من
کرده ام اندر جهان/طول عمرش ده که می باشد جوان/گر چه اینک
طعمۀ گرگان منم/یاد اویم تا بود جان در تنم/بیم آن دارم که در این
کوهسار/گاه رفتن به دزدان گردد دچار/بار الها بر تو من بسپارمش/
از تو امید حمایت دارمش/شد چو موسی و اله از گفتار زن/آمدش
وحی از خدای ذوالمنن/کای کلیم این مهر مادر با پسر/هست و مهر
ما هزاران بیشتر/آنچه در این زال زار پارساست/قطره ای از قلزم
احسان ماست.

آری! این چنین مادران پارسا و باگذشتی نیز بوده اند که جور فرزند
را با جان و دل خریده اند.

خدمت به والدین و طول عمر

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم فرمود: "هر کس
می خواهد خداوند عمر او را طولانی کند و در رزقش برکت نهد،
بر اوست که با پدر و مادرش به نکویی رفتار کند و پیوند
خویشاوندی را پاس دارد."^(۳۳)
پس فرصت را غنیمت شمار که:

خواهی اگر سعادت دنیا و آخرت
در پاس احترام پدر کوش و مادرت^(۳۴)

فراخوانید. وقتی حاضر شد پیامبر از او پرسید: آیا این فرزند توست؟
گفت: بله! آنگاه خطاب به او گفت: بین! اگر آتش بزرگی شعله ور
باشد و بخواهند او را در آن بیندازند و به تو بگویند اگر در حق او
سفارش کنی او را رها می کنیم و گرنه در این آتش می سوزانیم، آیا
در حق او سفارش می کنی؟ گفت اگر چنین باشد برایش شفاعت
می کنم. فرمود: پس خدا را گواه بگیر و در محضر من اعتراف کن
که از حق خود گذشته و از او راضی شده ای! گفت: خدایا تو و
رسولت را گواه می گیرم که من از پسر م راضی شدم. آن گاه پیامبر
اسلام صلی الله علیه و سلم بار دیگر به آن جوان گفت: بگو "أشهد أن
لا اله الا الله و أشهد أن محمدا عبده و رسوله"، جوان به راحتی شهادتین
را بر زبان آورد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: سپاس خدایی
را که شخصی را به وسیله من از آتش نجات داد.^(۳۵)

دعای مادر

علامه زمخشری یکی از مفسران و ادیبان بزرگ اسلامی است که به
لقب "جار الله" (همسایه خدا) شهرت داشته است، زیرا مدتی در
جوار خانه خدا مقیم بوده است. ایشان یک پای خود را بر اثر
حادثه ای از دست داده بود. از او در این باره پرسیدند. گفت: در
دوران کودکی روزی گنجشکی را گرفته و نخعی به پایش بستم،
گنجشک می خواست پرواز کند که من نخ را به شدت کشیدم و بر
اثر آن پای گنجشک قطع شد. مادرم وقتی این صحنه را دید از فرط
ناراحتی گفت: خدایا پایت را بشکند همان گونه که پای او را شکستی.
سال ها بعد از این ماجرا وقتی برای تحصیل علم به بخارا سفر
می کردم در بین راه از مرگم افتادم و پایم شکست. امروز می دانم
که این حادثه بد بر اثر همان دعا و نفرین مادرم بوده است.^(۳۶)

مادر و پدر عزیز از نفرین بپرهیز

از آیات و روایات ثابت شد که هم دعای خیر و هم نفرین پدر و مادر
پذیرفته می شود، پس والدین تا آنجا که می توانند از نفرین فرزند
پرهیز کنند و از حق خود بگذرند. در این جا داستانی شگفت از
گذشت و بخشش و شکیبایی یک مادر را بخوانید و آن را سرمشق
خود قرار دهید:

این شنیدستم که در عهد کلیم/آن کلیم ایزد فرد کریم/بود زالی
پاک دین و پارسا/داشت پوری با خدا نا آشنا/فاسق و ناپاک و بدکار و
دنی/اخشتمگین مغزی غرقۀ تردامنی/تاشیبی از فرط مستی آن پسر/
بست بهر کشتن مادر کمر/چوب کینی بگرفت و بر فرقتش نواخت/
سخت با مشق و لگد کارش بساخت/پس بیست آن نیمه جان را در
گلیم/برد او را بر سر کوهی عظیم/تا که سازد طعمۀ درندگان/نیمه شب
بردش به کوهی آنچنان/اندر آن دم از سوی رب کریم/وحی نازل
شد به موسی کلیم/کز فلان که خیز و دریاب ای کلیم/بنده خوب مرا

پس نوشت:

۱. در منثور به نقل از دیلمی.
۲. در منثور.
۳. ابن کثیر، تفسیر: ۳۵۳.
۴. ابن ماجه.
۵. حاکم، المستدرک: ۱۵۷/۴.
۶. بخاری، الجامع الصحیح، باب فضایل الصلاة لوقتها.
۷. همان منبع.
۸. صحیح مسلم.
۹. در منثور ۱۷۳/۴، به نقل از حاکم و بیهقی.
۱۰. بزرگ و عالی.
۱۱. تفسیر در منثور: ۱۷۷/۴.
۱۲. در منثور: ۳۱۷/۴.
۱۳. بخاری، الجامع الصحیح.
۱۴. ابوداود، ابن ماجه.
۱۵. مشکاة به نقل از بخاری.
۱۶. صحیح مسلم.
۱۷. بیهقی، شعب الایمان.
۱۸. حاکم، مستدرک: ۱۵۴/۴.
۱۹. ترمذی، ابوداود.
۲۰. طبرانی و مجمع الزوائد: ۲۷۰/۸.
۲۱. معجم الادیاء: ۱۴۷/۷.
۲۲. در منثور: ۱۷۳/۴، به روایت بیهقی.
۲۳. اشعار این مقاله از کتاب "ارزش پدر و مادر" تألیف گوهری نقل شده است.